

رابطه ی ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران دوره متوسطه شهر قزوین

علی حسینی مهر^{۱*}، هاجر امامی^۲

(۱) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

(۲) کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

*نویسنده مسؤل: hosseinimehrali@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۳/۴/۷ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۳/۶/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله ۹۳/۸/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابعاد ذهنیت فلسفی با روش‌های تدریس سنتی و مدرن در بین دبیران دوره متوسطه انجام شد. تحقیق از نوع همبستگی است و کلیه دبیران متوسطه علوم پایه و علوم انسانی ناحیه ۲ شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. نمونه شامل ۱۱۵ دبیر بود که به روش تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. به منظور جمع آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام انجام شد. نتایج نشان داد که بین انعطاف پذیری از ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس سنتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین جامعیت و تعمق با روش تدریس مدرن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون گام به گام مشخص کرد که انعطاف پذیری توانست ۱۴ درصد از روش تدریس سنتی را تبیین نماید. جامعیت و تعمق نیز توانستند در دو گام حدود ۲۳ درصد واریانس روش تدریس مدرن را تبیین کنند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین دبیران متوسطه رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی در متغیرهای جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری، روش تدریس سنتی و روش تدریس مدرن تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلید واژگان: ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری، روش تدریس

مقدمه

اهمیت خاصی دارد (کلدی و عسگری، ۱۳۸۲). یکی از کارکردهای معلمان تدریس محتوای آموزشی است. تدریس آموزش نحوه یادگیری به شاگردان است. الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری هستند که با استفاده از آنها به فراگیران در کسب اطلاعات، نظرات، مهارت‌ها و راه‌های تفکر و همچنین نحوه یادگیری کمک می‌گردد (جوینس، ویل و امیلی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر هدف اصلی امرآموزش ایجاد یادگیری در دانش آموزان است و این امر با عمل تدریس اتفاق می‌افتد. عمل تدریس سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده است؛ فعالیت متقابل بین معلم و فراگیر که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است (سیف، ۱۳۹۰). در رویکردهای

امروزه آموزش و پرورش به عنوان یکی از سازنده ترین سازمان‌ها و از ارکان اساسی برای توسعه آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه مطرح است (نوربخش و علیزاده، ۱۳۸۳) که گسترش زیادی پیدا کرده است. پیامد این رشد روز افزون تبدیل نظام آموزشی به سازمان عظیمی است که با تعداد قابل ملاحظه ای از دانش آموزان سرو کار دارد و وظایف متعددی را با انجام می‌رساند (بهرنگی، نوه ابراهیم و یوسف زاده اندواری، ۱۳۹۲). این سازمان، از عناصر مختلفی تشکیل شده است که هر کدام از این عناصر در پیشبرد اهداف آن مؤثرند. معلم، به عنوان یکی از عناصر

سازد مفید به نظر می‌رسد، ج) توجه به امور اساسی در هر موقعیت: بدین معنی که فرد با تفکر منطقی و تعمق نگری به ظاهر وقایع اکتفا نمی‌کند و می‌کوشد تا درک نماید که جنبه‌های اساسی یک موقعیت یا یک مطلب بر چه چیزهایی دلالت دارد. *انعطاف پذیری* دارای ویژگی‌های شامل ارزشیابی افکار و نظریات جدا از منبع آنها، دیدن مسائل یا جهات متعدد و ایجاد جانشین‌هایی برای جنبه‌های مورد نظر و انتظارات می‌باشد (شیر علی پور، ۱۳۸۸؛ نوری، فیاض، سیف، ۱۳۹۲).

رابطه ابعاد ذهنیت فلسفی و روش‌های تدریس در پژوهش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال شهبازی دستجردی و میرشاه جعفری (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران مدارس متوسطه پرداختند و نشان دادند که بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری با روش تدریس دبیران رابطه معناداری وجود دارد. سخنور و ماهرو زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی نشان دادند که بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن شامل جامعیت، تعمق و انعطاف-پذیری با نگرش به روش‌های تدریس فعال رابطه معناداری وجود دارد. شیرزاد، خلیلی پور و رضایی تالین (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس در بین ۹۰ نفر از دبیران مدارس متوسط شهر کرج پرداختند. نتایج نشان داد بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری با روش تدریس دبیران همبستگی معناداری وجود دارد. سرداری (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سبک‌های تدریس و ذهنیت فلسفی پرداخت و ۱۴۱ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه را بررسی کرد. نتایج نشان داد که بین ذهنیت فلسفی و سبک‌های تدریس اساتید رابطه معناداری وجود دارد. سارخانلو (۲۰۱۴) در پژوهش به بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و سبک‌های تدریس در بین ۳۴ نفر از اساتید

جدید آموزش عقیده بر این است که برای تدریس، نمی‌توان به یک شیوه‌ی به خصوص تکیه کرد؛ به عبارت دیگر معلم می‌تواند با به کارگیری شیوه‌های متنوع تدریس، علاقه و توجه دانش‌آموزان را به درس جلب و تدریس خود را به یادگیری فعال نزدیک تر کند (شعبانی، ۱۳۹۲). در انتخاب روش تدریس عوامل متعددی مانند ساختار نظام آموزشی، محتوای آموزشی، موضوع مورد تدریس و ویژگی‌های دانش‌آموز و معلم نقش دارند (هاشمی، مهرابی، ۱۳۹۱).

از جمله ویژگی‌های معلمان که در روش تدریس آنها مؤثر است، می‌توان به ذهنیت فلسفی^۱ اشاره کرد. اسمیت (۱۳۸۲) ذهنیت فلسفی را توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهنی می‌داند که فرد را در تفکر صحیح کمک می‌نماید و او را به قضاوت‌های صحیح داشتن، عادت می‌دهد. آنچه در ذهنیت فلسفی مهم به نظر می‌رسد قواعد و قالب فکری است. همین مساله بخش عظیمی از نگرش‌ها و چگونگی انجام فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد (پور ظهیر و توکلی، ۱۳۹۰). وی برای ذهنیت فلسفی سه بُعد جامعیت^۲، تعمق^۳ و انعطاف پذیری^۴ را بر می‌شمارد.

جامعیت دارای ویژگی‌ها و ابعادی است که عبارتند از: الف) مشاهده امور خاص با توجه به ارتباط آن به یک زمینه وسیع، ب): ارتباط دادن مسائل روزانه به هدف‌های بلندمدت، ج) بکار بردن قوه تعمیم: بدین معنی که یک فرد با پیشینه ذهن فلسفی با جمع‌آوری نظرات قابل تعمیم و معتبر از طریق بررسی و تحلیل موارد مشاهده شده فرضیه‌هایی بدست می‌آورد که بتواند تمام جنبه‌های یک کل را بیان نماید و د) توجه به جنبه‌های نظری: به معنی درک امور خاص و علاقه به تحقیق بیشتر در مورد آنها. **تعمق** دارای ویژگی‌ها و ابعادی است که عبارتند از: الف) زیر سوال بردن آنچه مسلم یا بدیهی تلقی می‌شود، ب) کشف امور اساسی و بیان آنها در هر موقعیت: برای این منظور طرح سؤالهایی که بهتر این نقاط اساسی را روشن و ظاهر

روش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع جمع آوری داده ها، همبستگی است. کلیه دبیران علوم پایه و انسانی دوره متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می دهند. بر اساس فرمول محاسبه ی حجم نمونه کوکران^۱، ۱۱۵ (۵۸ مرد و ۵۷ زن) دبیر بود که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ۵۷/۴ درصد از آزمودنی ها دارای مدرک تحصیلی لیسانس، ۳۷/۴ درصد فوق لیسانس، ۳۷/۴ درصد دکتری و ۰/۹ درصد تحصیلات حوزوی داشتند. میانگین سن و سابقه ی کار تحصیلی آزمودنی ها به ترتیب ۴۴/۵ و ۲۲ بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون^۲، رگرسیون گام به گام^۳ و تحلیل واریانس چند متغیره^۴ استفاده شد. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه ی محقق ساخته استفاده شد که شامل دو بخش است. بخش اول سوالات ذهنیت فلسفی و بخش دوم درباره ی روش تدریس دبیران است. این پرسشنامه دارای ۴۵ گویه است و بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از خیلی زیاد تا خیلی کم تنظیم شده است. برای هر یک از مؤلفه های ذهنیت فلسفی شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری دارای ۱۰ گویه و برای روش تدریس دبیران نیز در ۱۵ گویه تدوین شد. برای روایی پرسشنامه از افراد صاحب نظر در موضوع مورد مطالعه نظر خواهی شد. سپس گویه های مورد توافق در پرسشنامه لحاظ گردید. پایایی ابزار نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ^۵ برای ذهنیت فلسفی ۰/۸۴ و مؤلفه های آن شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۷۲، ۰/۷۴ محاسبه گردید. پایایی گویه های مربوط به روش تدریس دبیران نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آمد.

دانشگاه پرداخت و نشان داد که رابطه ی معناداری بین ذهنیت فلسفی و سبک های تدریس وجود دارد.

گسترش روز افزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده سازی افراد برای جامعه ی در حال رشد نیازمند سازماندهی فرایندهای آموزشی است (رمضانی، ۱۳۸۹). در این بین از مسائل ضروری در نظام تعلیم و تربیت، توجه به روش های تدریس معلمان و استفاده از روش های مؤثر و مفید جهت تربیت فراگیران است (هاشمی و مهرابی، ۱۳۹۱). معلمان در این میان نقش مهمی را بر عهده دارند و موفقیت و شکست برنامه ها تا حدی به نوع تفکر آنها بستگی دارد. بنابر این آموزش و پرورش نیاز به کارکنانی دارد که از طریق تلاش پیوسته برای رشد و آشکار سازی شیوه های اندیشیدن (ذهنیت فلسفی) در رفتار خود، به تدریج متحول شوند (بهرنگی، نوه ابراهیم و یوسف زاده اندواری، ۱۳۹۲) و روش های تدریس خود را مورد توجه قرار دهند. لذا انجام پژوهشی که رابطه ذهنیت فلسفی معلمان و روش های تدریس آنها را مورد بررسی قرار دهد، ضرورت می یابد.

با توجه به تمهیدات یاد شده هدف پژوهش حاضر مقایسه و همچنین بررسی نقش ذهنیت فلسفی در نوع روش تدریس دبیران دوره متوسطه است. بر این اساس سوالات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- رابطه ی ذهنیت فلسفی و مؤلفه های آن با روش تدریس سنتی دبیران دوره متوسطه چگونه است؟ ۲- رابطه ی ذهنیت فلسفی و مؤلفه های آن با روش تدریس مدرن دبیران دوره متوسطه چگونه است؟ ۳- هر یک از مؤلفه های ذهنیت فلسفی به چه میزان روش تدریس سنتی دبیران را تبیین می کند؟ ۴- هر یک از مؤلفه های ذهنیت فلسفی به چه میزان روش تدریس مدرن دبیران را تبیین می کند؟ ۵- آیا بین ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس در بین دبیران علوم انسانی و علوم پایه تفاوت وجود دارد؟

4 . Multivariate analysis of variance (MANOVA)
5 . Cronbach's alpha

1 . Cochran
2 . Pearson correlation coefficient
3 . stepwise regression

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص		دبیران گروه علوم انسانی		دبیران گروه علوم پایه		کل
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
جامعیت	۳۴/۰۲	۳/۹۸	۳۴/۴۴	۲/۶۳	۳۴/۲۶	۳/۲۵	
تعمق	۳۱/۱۰	۳/۰۷	۳۱/۶۵	۲/۸۲	۳۱/۴۲	۲/۹۳	
انعطاف پذیری	۳۱/۷۹	۲/۹۵	۳۲/۲۶	۳/۲۰	۳۲/۰۶	۲/۰۹	
ذهنیت فلسفی	۹۶/۹۱	۶/۶۰	۹۳/۳۷	۴/۹۹	۹۷/۷۶	۵/۷۴	
روش تدریس سنتی	۲۵/۹۱	۳/۱۹	۲۶/۴۳	۳/۲۵	۲۶/۲۱	۳/۲۲	
روش تدریس سنتی	۲۳/۵۲	۳/۶۹	۲۴/۱۰	۳/۰۷	۲۳/۸۶	۳/۳۴	

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس سنتی و مدرن

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱.جامعیت	۱					
۲.تعمق	۰/۱۸۰	۱				
۳.انعطاف پذیری	۰/۱۰۶	-۰/۰۷۶	۱			
۴.نمره کلی ذهنیت فلسفی	۰/۷۱۶**	۰/۵۷۱**	۰/۵۶۱**	۱		
۵.روش تدریس سنتی	-۰/۰۱۷	۰/۱۱۶	-۰/۳۷۶**	-۰/۱۵۴	۱	
۶.روش تدریس مدرن	۰/۴۲۳**	۰/۳۰**	۰/۱۰۷	۰/۴۵۰**	۰/۱۱۸	۱

N=۱۱۵ . *P<۰/۰۵ . **P<۰/۰۱

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس ابعاد ذهنیت فلسفی بر روش تدریس سنتی

متغیر ملاک	مدل	متغیر پیش بین	F	P	R	R ²	B	SE	β	t	P
روش تدریس سنتی	۱	انعطاف پذیری	۱۸/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۳۷۶	۰/۱۴۲	-۰/۳۹۱	۰/۰۹۱	-۰/۳۷۶	-۴/۳۱	۰/۰۰۰

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس ابعاد ذهنیت فلسفی بر روش تدریس مدرن

متغیر ملاک	مدل	متغیر پیش بین	F	P	R	R ²	B	SE	β	t	P
روش تدریس مدرن	۱	جامعیت	۲۴/۵۶	۰/۰۰۰	۰/۴۲۳	۰/۱۷۹	۰/۴۳۵	۰/۰۸۸	۰/۴۲۳	۴/۹۵	۰/۰۰۰
	۲	جامعیت+تعمق	۱۶/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸۰	۰/۲۳۱	۰/۲۶۴	۰/۰۶۹	۰/۲۳۲	۲/۷۵	۰/۰۰۷

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانووا) دبیران گروه انسانی و دبیران گروه علوم پایه از نظر ابعاد ذهنیت فلسفی و روش

P	F	(MS)	میانگین مجذورات ^۲	تدریس	مجموع مجذورات ^۱ (SS)	شاخص	هوش هیجانی
				درجه آزادی (d.f)		جامعیت	
۰/۴۹	۰/۴۷۹		۵/۰۹	۱	۵/۰۹	جامعیت	ابعاد ذهنیت فلسفی
۰/۳۲۱	۰/۹۹۳		۸/۵۳	۱	۸/۵۳	تعمق	
۰/۴۱۸	۰/۶۶۰		۶/۳۶	۱	۶/۳۶	انعطاف پذیری	
۰/۴۰۰	۰/۷۱۵		۷/۴۵	۱	۷/۴۵		روش تدریس سنتی
۰/۳۵۸	۰/۸۵۰		۹/۵۲	۱	۹/۵۲		روش تدریس مدرن

شوند. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین نشان می دهند که جامعیت ($t = ۴/۹۵, \beta = ۰/۴۲۳$) و تعمق ($t = ۰/۲۳۲$) می توانند واریانس روش تدریس مدرن را به طور معناداری تبیین کنند.

اطلاعات مربوط به تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه میانگین های دبیران گروه های علوم انسانی و علوم پایه در ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس در جدول ۵ نشان داده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که بین دو متغیرهای جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری، روش تدریس سنتی و روش تدریس مدرن تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابعاد ذهنیت فلسفی با روش های تدریس سنتی و مدرن در بین دبیران رشته های علوم انسانی و علوم پایه دوره متوسطه شهر قزوین انجام شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای سؤالات اول و دوم پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین انعطاف پذیری از ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس سنتی رابطه منفی و معنادار و بین جامعیت و تعمق با روش تدریس مدرن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه بدین معنی است که با کاهش میزان انعطاف پذیری در شیوه تفکر دبیران، گرایش آنها برای بکارگیری روش های سنتی افزایش پیدا می کند. همچنین با افزایش میزان جامعیت و

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، نمره ذهنیت فلسفی دبیران گروه انسانی بالاتر از نمره دبیران گروه علوم پایه است. همچنین نمره روش تدریس سنتی و مدرن دبیران گروه علوم پایه بالاتر از دبیران گروه علوم انسانی است.

نتایج آزمون همبستگی بین ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس سنتی و مدرن در جدول ۲ نشان داده شده است. بر اساس داده های این جدول، بین انعطاف پذیری از ابعاد ذهنیت فلسفی و روش تدریس سنتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین جامعیت و تعمق با روش تدریس مدرن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که متغیر انعطاف پذیری، بهترین متغیر تبیین کننده روش تدریس سنتی دبیران دوره متوسطه است و متغیرهای جامعیت و تعمق از معادله رگرسیون حذف شده اند. بر اساس این نتایج F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$) و ۱۴۲ درصد واریانس مربوط به روش تدریس سنتی به وسیله انعطاف پذیری ($t = -۴/۳۱, \beta = -۰/۳۷۶$) تبیین می شود.

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که بهترین متغیرهای پیش بینی کننده روش تدریس مدرن دبیران دوره متوسطه، جامعیت و تعمق هستند و متغیر انعطاف پذیری از معادله رگرسیون حذف شد. بر اساس این نتایج F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$) و ۲۳ درصد واریانس مربوط به روش تدریس مدرن به وسیله جامعیت و تعمق تبیین می

1. Sum of Square
2. Mean of Square

تعمق در تفکر میزان استفاده از روش تدریس مدرن در بین دبیران افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام برای بررسی سؤال سوم پژوهش حاضر نشان داد که انعطاف پذیری، بهترین متغیر تبیین کننده در جهت منفی برای روش تدریس سنتی دبیران دوره متوسطه است. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام برای بررسی سؤال چهارم پژوهش حاضر مشخص کرد که بهترین متغیرهای پیش بینی کننده روش تدریس مدرن دبیران دوره متوسطه، جامعیت و تعمق هستند. این یافته با مطالعات یافته به نوعی با نتایج یافته های سرداری (۲۰۱۳)؛ سارخانلو (۲۰۱۴)؛ احمدیان (۱۳۸۷)؛ سخنور و ماهرزاده (۱۳۸۸)؛ شهبازی دستجردی و میر شاه جعفری (۱۳۸۸)؛ شیرزاد، خلیلی پور و رضایی تلاین (۱۳۹۱)، همسو است.

در خصوص تبیین منفی بودن رابطه انعطاف پذیری و روش تدریس سنتی می‌توان گفت که افرادی که دارای انعطاف پذیری در شیوه اندیشیدن هستند، در بحث و بررسی مسائل و امور مورد اختلاف ابتدا جنبه های متناقض و متضاد را از هم جدا می‌کنند و امور متضاد را که نفی یکی مستلزم اثبات دیگری نیست به دقت بررسی می‌کنند و جهات مختلف را به طور وضوح بیان می‌نمایند و آنگاه فرضیه های مختلف و متنوع را برای حل مسائل طرح می‌کنند. همچنین به جای اینکه دنبال معانی مطلق باشد قضاوت های موقتی را می‌پذیرد، آنچه در اختیار دارد مورد بررسی و تفسیر قرار می‌دهد و موقتاً قضاوت می‌کند و همیشه توجه دارد که اظهار نظر او در معرض تغییر قرار دارد زیرا به محض مشاهده وضع تازه یا بر خورد به مدرک جدید، در قضاوت خویش تجدید نظر می‌نماید. روی این زمینه هیچگاه این فرد از مواجه شدن با موقعیت های مبهم خودداری نمی‌نماید و پیوسته با در نظر گرفتن هدفهای انسانی تصمیمات عاقلانه اخذ می‌کند و فرض های منطقی بوجود می‌آورد (شیر علی پور، ۱۳۸۸). از سوی دیگر بگار گیری روش هاس سنتی بیشتر در قالب‌های از پیش تعیین شده و تکراری است و نیاز به انعطاف را در شیوه اندیشیدن

دبیران کم می‌نماید. لذا انتظار می‌رود به میزانی که استفاده از روش‌های تدریس سنتی زیاد شود، انعطاف پذیری در ذهنیت فلسفی دبیران طیف محدودی را ایجاد نماید.

در خصوص تبیین مثبت بودن رابطه جامعیت و تعمق با روش تدریس سنتی و همچنین پیش بینی پذیری مثبت روش تدریس مدرن از روی متغیرهای جامعیت و تعمق می‌توان گفت که جامعیت دارای ویژگی‌ها و ابعادی است که عبارتند از: الف) مشاهده امور خاص با توجه به ارتباط آن به یک زمینه وسیع: ب) ارتباط دادن مسائل روزانه به هدف های بلندمدت، ج) بکار بردن قوه تعمیم و د) توجه به جنبه های نظری (نوری، فیاض، سیف، ۱۳۹۲). تعمق نیز دارای خصوصیات شامل: زیر سؤال بردن آنچه که مسلم و بدیهی است، کشف و تدوین بنیادها، کاربرد حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی و نقش‌ای می‌باشند، است (پور ظهیر و توکلی، ۱۳۹۰). این ویژگی‌ها باعث می‌گردد که دبیران در انتخاب نوع روش تدریس از کلیشه‌گرایی و سنت‌گرایی پرهیز نمایند و با تحقیق و جستجو روش‌ها جدید و کارآمدی را برای تدریس بکار ببرند. از سوی دیگر در روش نوین و مدرن معلم راهنمای یادگیری است و به جای پاسخ مستقیم به پرسشها، می‌کوشد تا با پرسش های متعدد از فراگیران، آنها را به پاسخ های صحیح هدایت و آنها را به اندیشیدن ترغیب کند. معلمان به فراگیران پاسخ کلیشه ای نمی‌دهند، پرسش هایی را مطرح می‌کنند که قابل بحث باشد و فرصت گفت و گو را برای دانش آموزان ایجاد می‌کند (احمدیان و آقازاده، ۱۳۸۲)، لذا انتظار می‌رود با افزایش میزان جامعیت و تعمق بکار گیری روش تدریس مدرن با تمایل بیشتری همراه باشد.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری برای سؤال پنجم پژوهش حاضر نشان داد که بین گروه‌های علوم انسانی و علوم پایه در ابعاد ذهنیت فلسفی شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری و همچنین روش‌های تدریس سنتی و مدرن تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته به نوعی با نتایج پژوهش سراوانی (۱۳۸۶) هماهنگ نیست.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین انعطاف پذیری و روش تدریس سنتی و رابطه مثبت و معنادار بین جامعیت و تعمق با روش تدریس مدرن است. همچنین نتایج حاکی از معنادار نبودن تفاوت دبیران گروه های علوم انسانی و علوم پایه در ابعاد ذهنیت فلسفی شامل جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری و همچنین روش های تدریس سنتی و مدرن است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می گردد که ۱- آموزش ذهنیت فلسفی در مراکز و دانشگاه های تربیت معلم در قالب کارگاه های آموزشی، دوره های ضمن خدمت و یا همایش های علمی با هدف افزایش آگاهی معلمان از خصوصیات و ویژگی های ذهنیت فلسفی مدنظر قرار گیرد، ۲- برنامه های ویژه ای جهت تقویت ذهنیت فلسفی عالی الخصوص برای ارتقاء بعد انعطاف پذیری ذهنی دبیران تدوین و به مورد اجرا گذاشته شود، ۳- با توجه به همبستگی مثبت بین ابعاد جامعیت و تعمق پیشنهاد می گردد در سطوح مختلف سازمانی برای غنی سازی این ابعاد برای دبیران برنامه هایی مورد اجرا قرار بگیرد.

پیشنهاد می گردد که پژوهش هایی مشابه با موضوع پژوهش حاضر در دیگر مناطق آموزش و پرورش استان قزوین و نیز سایر استان ها اجرا شود و نتایج حاصل از آن با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار بگیرد و علاوه بر دبیران دوره متوسطه، سایر معلمان نیز به عنوان نمونه مورد بررسی قرار بگیرند. همچنین در پژوهش های بعدی با استفاده از روش آزمایشی تأثیر ذهنیت فلسفی بر سبک های تدریس نیز مورد پژوهش قرار بگیرد. با توجه به اینکه گروه نمونه را دبیران دوره متوسطه رشته های علوم پایه و علوم انسانی دبیرستان های دولتی ناحیه ۲ شهر قزوین، تشکیل می دهند، تعمیم نتایج به تمامی اقشار و گروه ها باید با احتیاط صورت بگیرد.

منابع

- احدیان، محمد و آقازاده، محرم. (۱۳۸۲). راهنمای روش های نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی. چاپ چهارم، تهران: آبیژ

در تبیین معنادار نبودن تفاوت بین میانگین جامعیت دبیران گروه علوم انسانی و علوم پایه می توان گفت که جامعیت ذهنی دارای ابعادی شامل نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه ای وسیع، ارتباط دادن مسائل آنی به هدف- های دراز مدت، بکاربردن قوه ی تعمیم، شکیبایی در تفکرات عمیق نظری است (نوری، فیاض، سیف، ۱۳۹۲).

لذا انتظار می رود بین دبیران رشته های علوم انسانی و علوم پایه با توجه به ماهیت شغل دبیری که خصوصیات فوق را در بر می گیرد و همچنین و آموزش هایی که در این زمینه دریافت کرده اند و تخصصی که کسب نموده اند، در جامعیت ذهنی تفاوت معناداری وجود نداشته باشد.

در تبیین معنادار نبودن تفاوت بین میانگین تعمق دبیران گروه علوم انسانی و علوم پایه می توان گفت که هم دبیران رشته های علوم انسانی و هم دبیران علوم پایه دروسی را که در آنها بکارگیری تعمق و ابعاد آن برای ارائه تدریسی موفق و انتقال مناسب محتوای دروس را در برنامه های تدریس به دانش آموزان دارند و به نوعی از برنامه های کلاسی آنها در امر تدریس در طول سال تحصیلی است، لذا انتظار می رود به دلایل ذکر شده و همچنین ضرورت بکارگیری تعمق برای دبیران هر دو رشته، میزان تعمق بین آنها متفاوت نباشد.

در تبیین معنادار نبودن تفاوت بین میانگین انعطاف پذیری دبیران گروه علوم انسانی و علوم پایه می توان گفت که با توجه به ویژگی های ذکر شده از انعطاف پذیری می توان گفت که دبیران رشته های علوم انسانی و علوم پایه به دلیل تدریس دروس مختلف و علی الخصوص دروسی که در آنها بکارگیری روش ها و راه حل های مختلف ضرورت دارد، به طور روزانه انعطاف پذیری را بکار می گیرند و انعطاف پذیری به نوعی برای موفقیت آنها ضرورت پیدا می کند، لذا از آنجایی که دبیران هر دو رشته برای تدریس دروس مختلف از بُعد انعطاف پذیری استفاده می کنند، می توان انتظار داشت که میزان انعطاف پذیری نیز در بین آنها متفاوت نباشد.

- Sardary, B.(2013). The explanation relationship between teaching style and philosophic mindedness university faculty of Islamic Azad University of Khoy. Technical Journal of Engineering and Applied Sciences. 3 (17): 2138-2142.
- Sarkhanlou, M.(2014). The explanation relationship between teaching style and philosophic mindedness university faculty of Islamic Azad University of Maku. European Journal of Experimental Biology, 4(3):554-559.

- اسمیت، فیلیپ جی(۱۳۹۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، ترجمه محمد رضا بهرنگی، تهران: کمال تربیت
- پور ظهیر، علی و توکلی، رویا (۱۳۹۰). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد دبیران مدارس متوسطه آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران. دو فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۴(۶)، ۸۰-۶۳
- جویس، بروس؛ ویل، مارشا؛ کالهن، امیلی. (۱۳۹۲). الگوهای تدریس، ترجمه محمد رضا بهرنگی. تهران: کمال تربیت
- رضانی، معصومه(۱۳۸۹). بررسی برنامه های درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی، مجله تفکر و کودک، (۱)، ۶۵-۲۱
- سخنور، ناهید و ماهرزاده، طیبه. (۱۳۸۹). ذهنیت فلسفی و نگرش به روشهای تدریس فعال در بین معلمان ریاضی. اندیشه های نوین تربیتی، ۶(۳)، ۹۴-۶۷
- سیف، علی اکبر(۱۳۹۰). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). تفکر برتر، چاپ اول، تهران: سروش
- شعبانی، حسن(۱۳۹۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر): سمت
- شهبازی دستجردی، راحله و میرشاه جعفری، ابراهیم(۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران مدارس متوسطه شهر اصفهان. مجله علوم تربیتی و روان شناسی، ۵(۱۶)، ۵۸-۴۱
- شیرزاد، مینو؛ خلیلی پور، مهدی و رضایی تالین، محمدرضا(۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران مدارس متوسط شهر کرج. اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت. شهر: نور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور
- نوری، سوده؛ فیاض، ایراندخت و سیف، اصغر(۱۳۹۲). تأثیر ذهنیت فلسفی بر توانایی حل مسائل ریاضی دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهر همدان به تفکیک جنسیت. تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴(۱)، ۱۳۹-۱۲۱

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 5, No. 4, winter 2015, No 20



Journal of Educational
Psychology

The Relationship between Dimensions of Philosophical Mindedness and Teaching Methods in High School Teachers

Ali Hosseini Mehr ^{1*}, Fariba Emami ²

- 1) PhD IN Philosophy of Education and Course Curriculum ,Takestan Islamic Azad University
- 2) M.A in Philosophy of Education, Takestan Islamic Azad University

*Corresponding author: hosseinimehrali@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research was to investigation of the relationship between dimensions of philosophical mindedness and teaching methods in high school teachers . Method study was correlation. statistical community was all s high school teacher from of management education district 2 Qazvin city. sample includes 115 teacher that have been chosen via random sampling method. Assessment instruments were the The researcher made questionnaire. Data was analyzed by using Pearson correlation coefficient , Stepwise multiple regression and Multivariate analysis of variance (MANOVA). Finding demonstrated that there is negative significant relationship between flexibility and traditional teaching methods. also there is positive significant relationship between comprehensiveness and penetration with modern teaching methods. Stepwise regression analysis showed that flexibility could explain % 14 of variance in traditional teaching methods and comprehensiveness and penetration , could explain %23 of variance in modern teaching methods. Multivariate analysis of variance showed that is not significantly different between dimensions of philosophical mindedness and teaching methods in high school teachers.

Key words: philosophical mindedness, teaching methods, high school teachers.
